

آزمون حضوری
شماره پنج

رشته انسانی



تجربی | ریاضی | انسانی

ویژه کنکور
۱۴۰۳

مرورنامه آزمون آزمایشی خلی سبز

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
زبان و ادبیات فارسی (اختصاصی)	علوم و فنون ادبی ۱ درس ۱ و ۴، صفحه ۱۰ تا ۲۰ و ۳۸ تا ۴۶ علوم و فنون ادبی ۲ درس ۶ و درس ۸، صفحه ۵۱ تا ۵۴ و ۶۳ تا ۷۰ علوم و فنون ادبی ۳ درس ۱ تا ۳، صفحه ۱۰ تا ۳۷	۲	۱۲	سیاوش خوشدل	زهره صادقی مالواجردی الهه آرائی حصاری



مرورنامهٔ مباحث وزن شعر شامل درس هشتم علوم و فنون یازدهم و درس دوم علوم و فنون دوازدهم

لازمهٔ درک پایه‌های آوایی شعر: برش زدن هجاها یا نشانه‌های هجایی را به دسته‌هایی منظم که آن‌ها را وزن‌واژه یا رکن می‌نامیم. مجموعهٔ سه یا چهار وزن‌واژه، وزن یک مصرع را می‌سازد. در این درس ۶ وزن که با ۶ وزن‌واژه ساخته شده‌اند، معرفی می‌شود.

– وزن‌واژه‌های معرفی شده در درس هشتم علوم و فنون یازدهم: –

وزن‌واژه‌ها	فعولن	فَعْل	مُسْتَفْعِلُنْ	مَفْعِلُنْ	مُفْعِل = فاعِلُنْ	فَعْلَانْ
علائم	--U	-U	-U--	-UU-	-U-	--UU

وزن‌های معرفی شده در درس هشتم علوم و فنون یازدهم که دارای پایه‌های آوایی همسان هستند، به همراه یک مثال خارج از کتاب:

۱) فعولن فعولن فعولن (_ _ U _ _ U _ _ U)

مثال چه بد کرده بودم که ناگه از این سان / به دست تو شوخ ستمگر فتادم؟ (سعدی)

چِ بد کر	دِ بو دم	کِ نا گه	آ زین سان
بِ دس تِ	تْ شو خِ	سِ تم گر	ف تا دم
- - U	- - U	- - U	- - U
فَعولن	فَعولن	فَعولن	فَعولن

- هجاهای «تِ» و «خِ» در این بیت، مطابق اختیار بلند تلفظ کردن هجای کوتاه انتهای کلمه بلند تلفظ شده‌اند تا با وزن شعر مطابق باشند.
- در خواندن دو واژه «از» و «این» از اختیار همزه استفاده شده است. اگر از این اختیار بهره نگیریم دو هجای بلند «از» (ء + َ + ز) و «این» (ء + ی + ن) را خواهیم داشت که با وزن شعر مطابقت ندارد.

۲) فعولن فعولن فعولن فَعْل (_ U _ _ U _ _ U)

مثال بده تا بگویم به آواز نی / که جمشید کی بود و کاووس کی (حافظ)

بِ ده تا	بِ گو یم	بِ آ وا	ز نی
کِ جم شِ	د کی بو	دُ کا وو	س کی
- - U	- - U	- - U	- U
فَعولن	فَعولن	فَعولن	فَعْل

۳) مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن (_ U _ _ U _ _ U)

مثال ای از پی آشوب ما از رخ نقاب انداخته / لعل تو سنگ سرزنش بر آفتاب انداخته (خاقانی)

ای از پی	آ شو بِ ما	از رخ زِ قا	بِنِ دا خِ تِ
لِ لِ تِ	گِ سر رَ نش	بر آ ف تا	بِنِ دا خِ تِ
- - U	- U -	- U -	- U -
مستفعِلن	مستفعِلن	مستفعِلن	مستفعِلن



- هجاهای «ی»، «ل» و «گ»، مطابق اختیار بلند تلفظ کردن هجای کوتاه انتهای کلمه بلند تلفظ شده‌اند تا با وزن شعر مطابق باشند.
- هجاهای «بَن»، با به کار بستن اختیار حذف همزه ساخته شده‌اند: قَابِ آن ← قَا بَن / سَابِ آن ← سَا بَن
- هجاهای «تِ» در پایان دو مصرع مطابق قاعده بلندبودن هجاهای پایانی مصرع، بلند محسوب می‌شوند.

۴) مَفْتَعِلُنْ مَفْتَعِلُنْ مَفْتَعِلُنْ (_ U U _ _ U U _ _ U U _ _ U U)

مثال قصد جفاها نکنی و ر بکنی با دل من / و دل من و دل من و دل من و دل من (مولوی)

قص	دِ	جَ	فَا	هَا	نَ	کُ	نِی	وَر	یِ	کُ	نِی	بَا	دِ	لِ	مِن
وَا	دِ	لِ	مِن	وَا	دِ	لِ	مِن	وَا	دِ	لِ	مِن	وَا	دِ	لِ	مِن
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
مَفْتَعِلُنْ				مَفْتَعِلُنْ				مَفْتَعِلُنْ				مَفْتَعِلُنْ			

۵) مَفْتَعِلُنْ مَفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ (_ U _ _ U U _ _ U U)

مثال عقل درآمد که طلب کردم / ترک ادب بود ادب کردم (نظامی)

عَق	لِ	دَ	رَا	مَد	کِ	طَ	لَب	کَر	دَ	مَش
تَر	کِ	آ	دَب	یَو	دَ	آ	دَب	کَر	دَ	مَش
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
مَفْتَعِلُنْ				مَفْتَعِلُنْ				مَفْتَعِلْ (فاعل)		

- هجای «را» با اختیار حذف همزه به دست آمده‌است. اگر بدون این اختیار هجاها را بخوانیم، داشت «در آ» که مطابق با وزن شعر نیست.

۶) فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ (_ U U _ _ U U _ _ U U _ _ U U)

مثال برو ای باد بهاری به دیاری که تو دانی / خبری بر ز من خسته به یاری که تو دانی (خواجوی کرمانی)

بَ	رُ	ای	بَا	دَ	بَ	هَا	رِی	بِ	دِ	یَا	رِی	کِ	تُ	دَا	نِی
خَ	بَ	رِی	بَر	زَ	مَ	نِ	خَسَ	تِ	بِ	یَاَر	رِی	کِ	تُ	دَا	نِی
U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-
فَعْلَاتُنْ				فَعْلَاتُنْ				فَعْلَاتُنْ				فَعْلَاتُنْ			

– وزن‌واژه‌های معرفی‌شده در درس دوم علوم و فنون دوازدهم –

وزن‌واژه‌ها	فاعلاتن	فاعلاتُ	مفاعِلن	فَعْلُنْ	مَفَاعِلْ	مَفْعُولْ
علائم	- - U -	U - U -	- U - U	- U U	U U - U	U - -

وزن‌واژه‌ها	مُسْتَفْعِلْ	مُسْتَفْعِلْ	مُسْتَفْ	مَفَاعِلْ	فاعلن	فع
علائم	U U - -	- - -	- - -	U - - U	- U -	-



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

علوم و فنون ادبی

وزن‌های معرفی‌شده در درس دوم علوم و فنون دوازدهم که دارای پایه‌های آوایی غیرهمسان هستند، به همراه یک مثال خارج از کتاب:

۱) فاعلاتن مفاعِلن فَعْلُن (_ _ _ _ _)

مثال هر که در عاشقی تمام بود / پخته خوانش اگر چه خام بود

هر	ک	در	عا	ش	قی	ت	ما	م	بُ	وَد
پخ	ت	خا	نش	آ	گر	چ	خا	م	بُ	وَد
-	-	U	-	U	-	U	-	U	U	-
فاعلاتن			مفاعِلن				فَعْلُن			

۲) مفاعِلن فَعْلَاتن مفاعِلن فَعْلُن (_ _ _ _ _)

مثال بیا به می‌کده حافظ که بر تو عرضه کنم / هزار صف ز دعا‌های مستجاب زده

پ	یا	پ	مید	ک	د	حا	فظ	ک	بر	ت	عر	ض	ک	نم
ه	زا	ر	صف	ز	دُ	عا	ها	ی	مُ	تَد	جا	ب	رَ	دِ●
-	U	-	U	U	U	-	-	U	U	-	U	U	U	-
مفاعِلُن				فَعْلَاتن				مفاعِلُن				فَعْلُن		

● هجای «د» در پایان مصرع دوم مطابق قاعده بلندبودن هجاهای پایانی مصرع، بلند محسوب می‌شود.

۳) مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (_ _ _ _ _)

مثال خلوت دل نیست جای صحبت اُضداد / دیو چو بیرون رود، فرشته درآید (حافظ)

خَل	و	ت	دل	نیست	جا	ی	صح	ب	ت	اَض	داد
دیو	چ	بی	رون	ر	ود	ف	رش	ت	د	را	ید
-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	-
مفتعلن			فاعلات			مفتعلن			فع		

● هجای «داد» در پایان مصرع دوم مطابق قاعده بلندبودن هجاهای پایانی مصرع، بلند محسوب می‌شود.

۴) مستعلن مفاعِل مستعلن فَعْل = مفعول فاعلات مفاعِل اعلن (_ _ _ _ _)

مثال من چون کبوتران به وفا طوق‌دار او / او کعبه من و حرم از من دریغ داشت (خاقانی)

من	چُن	ک	بو	ت	ران	پ	و	فا	طو	ق	دا	ر	او
او	کعب	ب	ی	م	ن	خ	ر	مز	من	د	رب	غ	داشت
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
مستعلن			مفاعِل			مستعلن			فَعْل				

تقطیع این مصرع با ترتیب دیگر:

من	چون	گ	بو	ت	ران	پ	و	فا	طو	قد	دا	ر	او
او	کعب	ب	ی	م	ن	خ	ر	مز	من	د	ریغ	داشت	
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	-	
مفعول			فاعلات				مفاعیل				فاعلن		

- هجاهای «ی» و «ن»، مطابق اختیار بلند تلفظ کردن هجای کوتاه انتهای کلمه بلند تلفظ شده‌اند تا با وزن شعر مطابق باشند.
- هجاهای «مز»، با به کار بستن اختیار حذف همزه ساخته شده: رِم از رَمَز ←
- هجای «داشت» در پایان مصرع دوم مطابق قاعده بلندبودن هجاهای پایانی مصرع، بلند محسوب می‌شود.
- صامت «ن» ساکن بعد از مصوت بلند، هجای کشیده نمی‌سازد. در نتیجه هجای «این» کشیده نیست و بلند است.

۵) مستفعل فاعلات مستف = مفعول مفاعلن فعولن (_ U _ U _ U _)

مثال گفتمی که وفا کنم جفا کردی / وز خود همه ظن من خطا کردی

گف	تی	کی	و	فا	ک	نم	ج	فا	کر	دی
وز	خُد	ه	م	ظَن*	ن	من	خ	طا	کر	دی
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	-
مستفعل			فاعلات					مستفعل		
تقطیع این مصرع با ترتیب دیگر:										
گف	تی	کی	و	فا	ک	نم	ج	فا	کر	دی
وز	خُد	ه	م	ظَن*	ن	من	خ	طا	کر	دی
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	-
مفعول			مفاعلن				مفاعیلن			

* حرف دارای تشدید، دو بار تلفظ می‌شود. بار نخست به صورت ساکن و بار دوم با حرکت فتحه، کسره یا ضمه. مثال دیگر: شدت ← شد دت

۶) مستفعل مستفعل مستف = مفعول مفاعیل مفاعلن فعولن (_ U _ U _ U _)

مثال ما درس سحر در ره میخانه نهادیم / محصول دعا در ره جانانه نهادیم (حافظ)

ما	در	سی	س	حر	در	ر	ه	می	خا	ن	ت	ها	دیم
مح	صو	ل	د	عا	در	ر	ه	جا	نا	ن	ت	ها	دیم
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مستفعل			مستفعل				مستفعل			مستفعل		مستف	
تقطیع این مصرع با ترتیب دیگر:													
ما	در	سی	س	حر	در	ر	ه	می	خا	ن	ن	ها	دیم
مح	صو	ل	د	عا	در	ر	ه	جا	نا	ن	ن	ها	دیم
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مفعول			مفاعیل				مفاعیل			مفاعیل		فعولن	

- هجای «دیم» در پایان هر دو مصرع، مطابق قاعده بلندبودن هجاهای پایانی مصرع، بلند محسوب می‌شود.



مرورنامه درس سوم دوازدهم

– بدیع در لغت: تازه و نو –

اصطلاح بدیع در ادب فارسی: مجموعه آرایه‌های افزایش‌دهنده زیبایی لفظی و معنایی سخن بدیع لفظی: آرایه‌های مبتنی بر تغییرات آوایی و موسیقایی مثل: سجع، جناس و ترصیع بدیع معنوی: آرایه‌های مبتنی بر لطف تعبیر و زیبایی مانند: اغراق، ایهام، تضاد، مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

– ۱- مراعات نظیر (تناسب) –

مراعات در لغت: تناسب و هماهنگی^۱
مراعات در اصطلاح ادبی: آوردن واژه‌هایی در سخن با ارتباط معنایی و یادآور یکدیگر (غیر از تضاد) – زیبایی آفرینی مراعات نظیر در تعامل واژه‌ها و منجر به لذت خواننده از دریافت این ارتباط معنایی

مثال خارج از متن کتاب درسی

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو (حافظ)
تیر از کمان چو رفت نیاید به شست باز / پس واجب است در همه کاری تأملی (سعدی)
ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد / چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد (حافظ)

– ۲- تلمیح –

تلمیح در لغت: اشاره کردن با گوشه چشم
تلمیح در اصطلاح ادبی: اشاره به داستان، آیه، حدیث و مثل در ضمن سخن. دلیل اهمیت هنری تلمیح: ایجاز حاصل از گنجاندن یک مفهوم بلند یا معانی بسیار در سخنی کوتاه با کم‌ترین واژه‌ها

– چند مثال (خارج از متن کتاب درسی) –

مثال خارج از متن کتاب درسی

پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت / ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم (حافظ)
(اشاره به خروج حضرت آدم از بهشت)
شاه ترکان سخن مدعیان می‌شنود / شرمی از مظلمه خون سیاوشش باد (حافظ)
(اشاره به قتل سیاوش در شاهنامه)
بیستون کندن فرهاد نه کاری است شگفت / شور شیرین به سر هر که فتد کوه‌کن است (همای شیرازی)
(اشاره به عشق فرهاد به شیرین و کوه‌کنی او در راه این عشق)
آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرعه کار به نام من دیوانه زدند (حافظ)
(اشاره به آیه: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾)
(۷۲/افزاب)

– ۳- تضمین –

تضمین در لغت: ضمانت کردن و متعهدشدن به انجام کاری
تضمین در اصطلاح علم بدیع: آوردن آیه، حدیث، مصراع، بیت، یا سخن شخصی دیگر در ضمن شعر یا کلام گاه با اشاره به نام آن شاعر یا نویسنده و گاه نیز بدون نام او به دلیل شهرت

۱- به نظر می‌رسد مؤلفان کتاب درسی واژه «مراعات» را جمع تصور کرده‌اند چون در معنی لغوی آن «ها» گنجانده‌اند. در حالی که این واژه، مصدر باب «مفاعلة» عربی است؛ مثل «مساوات»، «ملاقات» و «مجازات».



هدف و کارکرد تضمین: بیان بهتر مقصود خود با ایجاد تنوع در ذهن خواننده و التذاذ او و همچنین نشان دادن آگاهی خود از موضوعات مختلف به بهترین وجه.

چند مثال (خارج از متن کتاب درسی) -

مثال خارج از متن کتاب درسی

- چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد / که رحمت بر آن تربت پاک باد (سعدی)
«میاژار موری که دانه‌کش است / که جان دارد و جان شیرین خوش است»
- چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت / شیوهٔ جنّات تجری تحت الانهار داشت (حافظ)
برگرفته از آیات قرآن با این مضمون: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ﴾ (البقره/۱۱)
- باطل است آن‌چه مدّعی گوید: / «خفته را خفته کی کند بیدار؟»
مرد باید که گیرد اندر گوش / و نوشته‌است پند بر دیوار (سعدی)
مصرعی که سعدی آن را به «مدّعی» نسبت می‌دهد، از سنایی غزنوی است:
عالمت غافل است و تو غافل / خفته را خفته کی کند بیدار؟

مرورنامهٔ درس نخست علوم و فنون دهم

مصادیق «متن»: هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد، نوشته‌های روی کاغذ و کتاب، صدایی که می‌شنویم، بویی که حس می‌کنیم، رویدادی که می‌بینیم، مزه‌ای که می‌چشیم، چیزی که لمس می‌کنیم.
انواع متن: شنیداری، بویایی، دیداری و ...
کتاب‌ها: متن دیداری به شمار می‌آیند؛ اگر خوانده شوند، به آن‌ها متن‌های شنیداری یا خوانداری می‌گوییم.
مصادیق متن در این‌جا: آثار شعر و نثر فارسی
معیارهای شناخت و ارزیابی متون شعر و نثر: بررسی از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر؛ یعنی در سه قلمرو: زبانی، ادبی و فکری
تقسیم‌بندی کلی متون یا آثار کتب ادبی: الف) شعر ب) نثر
ترتیب بررسی و تحلیل متن: ۱) خوانش ۲) شناسایی و استخراج نکات زبانی ۳) شناسایی و استخراج نکات ادبی ۴) شناسایی و استخراج نکات فکری ۵) نتیجه‌گیری و تعیین نوع

۱- خوانش شعر -

خواندن دقیق متن، نخستین گام مؤثر در رویارویی با متون - پیش از خوانش، نگاه کلی به متن از آغاز تا انجام برای کشف لحن و آهنگ مناسب با محتوای اثر - خواندن یکباره و بی‌گسست اثر: لازمهٔ درک ارتباط طولی و فهم محتوایی - لحن حکایت عطار در الهی‌نامه با مطلع «به دام افتاد روباهی سحرگاه»: داستانی - روایی

۲- شناسایی و استخراج نکات زبانی: برخی از نکات زبانی شعر عطار: -

- وجود واژگان کهن: که گر صیاد ببند هم‌چنینم / دهد حالی به گازر پوستینم
چو صیاد آمد او را مرده پنداشت / نمی‌یارس روبه را کم انگاشت
- کمی واژگان غیر فارسی: سحر، صیاد، اختیار، حیل، تزویر، حدیث و عالم (۷ واژهٔ عربی در ۱۶ بیت)
- کاربرد شبکهٔ معنایی: به دل می‌گفت با دل نیست بازی / کنون باید به کارم حیل‌سازی
بگفت این و به صد دستان و تزویر / بجست از دام همچون از کمان تیر
- ترکیب‌سازی: به دام افتاد روباهی سحرگاه / به روبه‌بازی اندیشید در راه
به دل می‌گفت با دل نیست بازی / کنون باید به کارم حیل‌سازی



- کاربردهای تاریخی دستور: پس آن گه مُرده کرد او خویشتن را (= به مردن زد)

نمی یارست روبه را کم انگاشت

- زبان ساده

- جمله‌های کوتاه

- ساختمان ساده بیشتر واژه‌ها

۳- شناسایی و استخراج نکات ادبی

- تعیین قالب: قالب شعر عطار با توجه به هم‌قافیه بودن هر دو مصرع یک بیت، مثنوی است.

- شناسایی آرایه‌های ادبی: در شعر عطار، «ترک غم گرفتن»، «دم‌زدن» و «تیره‌شدن جهان بر چشم کسی» کنایه است. در مصرع «بجست از دام همچون از کمان، تیر» تشبیه و مراعات نظیر داریم.

۴- شناسایی و استخراج نکات فکری

- در شعر عطار: بیان اهمیت «دل» و برتری‌دادن به آن از طریق مقایسه آن با دیگر اجزای بدن، نتیجه‌گیری عرفانی شاعر در شعری با ظاهری ساده و داستانی. پایان‌بندی و نتیجه‌گیری شاعر بیانگر ذهن خلاق او در گنجاندن یک نکته عمیق معرفتی درباره ارزش و جایگاه دل در قالب یک داستان: همه چیز وجود ما دل است و گرانبهایی دل، به سبب این است که خانه و جایگاه خداوند است.

۵- نتیجه‌گیری و تعیین نوع

- ظاهر شعر: ساده، محسوس (= قابل درک با حواس پنجگانه) و عینی. نتیجه‌گیری پایانی: مفهومی، ذهنی و معنوی حکمت و معرفت در ظرف داستان ← شعر در رده ادبیات تعلیمی است.

- قدیم‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی (بیشتر مبتنی بر شعر و جنبه محتوایی) در یونان باستان: چهار نوع حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی پیاده‌سازی مراحل پنج‌گانه پیش‌گفته بر متن برگزیده از ترجمه کلیله و دمنه از نصرالله منشی در کتاب درسی:

۱- خوانش متن

۲- شناسایی و استخراج نکات زبانی

- کاربردهای کهن واژگان که امروزه، به گونه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شوند: اُشتر (شتر)، شاخ (شاخه)، بنگریست (نگریست، نگاه کرد)، نتوان دانست (نمی‌توان دانست، نمی‌شود فهمید)، بگسست (بریده شد، شکست)
- جمع کلمه «موش» با نشانه «ان» (امروزه می‌گوییم «موش‌ها»)
- «شهد» در معنی «عسل» و «قاتل» در معنی «کشنده» برای غیر انسان و ترکیب «زنبورخانه» به معنی «خانه زنبور».
- جدانویسی نشانه منفی‌ساز فعل: «نه اندیشید». امروزه می‌نویسیم: نیندیشید.
- کاربرد «را» به معنی «برای» در جمله «خلاص خود را طریقی می‌جست».
- جملات کوتاه و قابل فهم.

۳- شناسایی و استخراج نکات ادبی

- شبکه معنایی: میان «شهد»، «شیرینی»، «چشیدن»، «زنبور» و «حلاوت»
- تضاد: «سیاه» و «سفید» - «پا» و «سر» - «سر» و «قعر» - «زهر» و «شیرینی» یا «شهد» - «رنج» و «لذت» - «اندک» و «بسیار»
- تمثیل: برای بیان مفهوم غفلت انسان

۴- شناسایی و استخراج نکات فکری

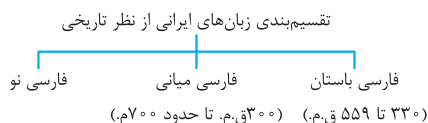
- نگرش حکمی و تعلیمی برای بیان مقصود (یعنی بهره‌گیری از گذر عمر برای سعادت آن‌جهانی)، در جایگاه اندرز. یادآوری چند نکته: شریف (=برتر) بودن انسان در میان مخلوقات، گرانبه‌بودن لحظات عمر، هوشیاری و پرهیز از خوشی‌های زودگذر
- نگاهی مثبت و خوش‌بینانه به جایگاه و ارزش انسان و نگرش منفی به خوشی‌های مادی و لذت‌های زودگذر

۵- نتیجه‌گیری و تعیین نوع

براساس انتقال این مفاهیم به خواننده: ۱ نگاه خوش‌بینانه و والا نسبت به جایگاه انسان ۲ دانستن قدر لحظه لحظه عمر خویش ۳ لزوم هوشیاری و سرگرم نشدن با خوشی‌های دنیایی و عدم غفلت ۴ سعادت و نیک‌بختی راستین در کسب خشنودی خداست. ← متن تعلیمی و اندرزی است.

درس چهارم دهم

پارسی یا فارسی ← ریشه و مادر زبان امروز ایران در ایران پیش از اسلام آثار فرهنگی - ادبی، سینه‌به‌سینه حفظ می‌شده است. کتاب «اوستا» را برای اجرای مراسم دینی، از حفظ می‌خواندند تا این‌که در دوره ساسانی، آن را به نگارش درآوردند. گروه زبان‌های ایرانی ← زبان‌های متداول در ایران و مناطق همجوار از قدیم‌ترین روزگاران، با ویژگی‌های مشترک





سه قرن اول هجری -

- ادامه فعالیت‌های علمی و ادبی ایرانیان پس از سقوط ساسانیان
- پدیدآمدن آثاری به زبان‌های فارسی، پهلوی و عربی
- بر سر کار آمدن دولت نیمه‌مستقل طاهری و پس از آن دولت مستقل صفاری
- یعقوب لیث صفاری زبان فارسی را زبان رسمی کشور اعلام کرد و اجازه نداد که زبان عربی در دربارش به کار رود.
- پدیدآمدن دولت سامانی، آل بویه و حکومت‌های کوچک، به زبان فارسی دری فرصت و امکان داد تا به عنوان زبان رسمی شناخته شود.

قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم -

- مهم‌ترین دوره تمدن اسلامی ایران
- شکوفاشدن نظم و نثر فارسی
- روی کار آمدن دولت سامانی و رواج رسم‌ها و سنت‌های فرهنگی کهن ایرانی
- عمده‌ترین مرکز فرهنگی سامانیان شهر بخارا است.
- شعر و ادب فارسی به دلایل زیر رشد کرد:
- (۱) بعضی از امیران سامانی، صاحب فضل و ادب بودند.
- (۲) شاعران فارسی‌گوی را تشویق می‌کردند.
- (۳) مترجمان را به ترجمه کتاب‌های معتبری به نثر فارسی برمی‌انگیختند.
- شاعران بزرگ فارسی‌گوی عهد سامانی: عنصری، فرخی، منوچهری

ویژگی‌های تاریخی قرن چهارم

- غلبه، رواج، حفظ و ادامه آداب و رسوم ملی
- پایه‌گذاری حماسه‌های ملی به زبان فارسی
- دوره طلایی همراه با شکوفایی روح ایرانی
- حضور شاعر بی‌نظیری چون فردوسی و دانشمند بزرگی مانند محمد بن زکریای رازی
- عصر اندیشه استقلال ملی ایران (قرن ۴ و نیمه اول قرن ۵) به دلیل هم‌زمان بودن با اوج حاکمیت سامانیان
- دوره ترقی در همه زمینه‌های علمی
- وجود سخنورانی چون رودکی، فردوسی، عنصری
- تأکید بر ضرورت تألیف به زبان فارسی دری
- گردآوری تاریخ و روایات گذشته ایرانی
- بازیافتن اندیشه‌های ایرانی در چارچوب فرهنگ اسلامی
- آمیختگی زبان فارسی دری با زبان عربی
- ورود اصطلاحات علمی، ادبی، دینی و سیاسی جدید از راه ترجمه متون عربی
- در آغاز این دوره، بیشتر دانشمندان ایرانی به ضرورت آثار خود را به عربی می‌نوشتند تا در جهان اسلام خواننده بیابند.

ویژگی‌های شعر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم

- سادگی و روانی کلام (شاعر می‌کوشد، تا فکر و خیال خود را همان‌گونه که به خاطرش می‌رسد، بیان کند).
- شاعران بیشتر به واقعیت بیرونی نظر داشتند.
- مفاهیم ذهنی در قلمرو تعلیم کلی اخلاقی
- به‌کارگیری انواع توصیف و آوردن ترکیب‌های تازه، استعاره‌های دلپذیر و تشبیهات گوناگون
- رودکی شعر پارسی را بنیاد نهاد و «پدر شعر فارسی» نام گرفت.



- رایج‌ترین انواع شعر فارسی، حماسه، مدحی و غنایی
- اوج حماسه ملی ایران و شعر حماسی با فردوسی
- رواج شعر مدحی و مدیحه‌سرایی و جایگاه ویژه شاعران مدیحه‌سرا در دربار شاهان
- قوت و استحکام شعر غنایی با رودکی و شهید بلخی
- رواج شعر حکمی و تعلیمی
- پختگی شعر اندرزی در دوره سلجوقیان
- رواج موعظه و نصیحت در شعر از آغاز قرن چهارم
- «کسایی مروزی» قصیده تمام و کمالی در موضوع موعظه و نصیحت سرود.
- رواج داستان‌سرایی و قصه‌پردازی و آوردن حکایت‌ها و مثل‌ها در شعر

ویژگی‌های نثر در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم

- رواج و رونق نثر مانند شعر پارسی در عهد سامانی
- پدیدآمدن کتاب‌هایی با موضوع‌های گوناگون به زبان دری
- نثر این دوره، ساده و روان است.
- توجه به موضوع‌های حماسی، ملی و تاریخی
- هنوز آوردن اصطلاحات علمی و اشعار و امثال در آن رایج نشده است.

موضوع	نویسنده	مهم‌ترین کتاب‌های نثر این دوره
تاریخ گذشته ایران	عده‌ای از دانشوران خراسان	۱) شاهنامه ابومنصوری (۳۴۶ ق)
تفسیر قرآن	جمعی از دانشمندان به فارسی برگرداندند.	۲) ترجمه تفسیر طبری (اصل تفسیر را محمد بن جریر طبری به زبان عربی نوشته است.)
تاریخ ایران	ابوعلی بلعمی به دستور منصور بن نوح سامانی	۳) تاریخ بلعمی

نکته

تاریخ بلعمی ترجمه فارسی کتاب «تاریخ الرسل والملوک» به زبان عربی تألیف «محمد بن جریر طبری» است.



علوم و فنون یازدهم درس ۵: پایه‌های آوایی همسان

در هر بیت، پایه‌های آوایی به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. با خوانش درست بیت، درنگی منظم را در میان پایه‌های آوایی هر مصراع، احساس می‌کنیم. این پایه‌های تکراری را «پایه‌های آوایی همسان» می‌نامیم. به هریک از پایه‌های آوایی «وزن‌واژه یا رکن» می‌گویند. برخی از وزن‌واژه‌ها یا ارکان شعر فارسی:

فعولن (U —) (تَ تن تن)

مفاعیلن (U — —) (تَ تن تن تن)

فاعلاتن (— U —) (تن تَ تن تن)

مستفعلن (— — U) (تن تن تَ تن)

فعلاتن (U U —) (تَ تَ تن تن)

مفتعلن (— U U —) (تن تَ تَ تن)

مثال درین درگاه بی‌چون همه لطف است و موزونی چه صحرایی چه خضری چه درگاهی نمی‌دانم

یک پایه آوایی است که به آن رکن نیز گفته می‌شود.

پایه‌های آوایی	دَ رین در گاه	ه بی چو نی	هَ م لُط فس	تُ م زو نی
وزن	چَ صَح را بی	چَ خَض را بی	چَ در گا هی	ن می دا نم
نشانه‌های هجایی	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
	— — — U	— — — U	— — — U	— — — U

من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم

پایه‌های آوایی	مَن بِ هر جَم	عی یَ تی نا	لَان شُ دَم
وزن	جُف تِ بد حا	لَا نُ خَش حا	لَان شُ دَم
نشانه‌های هجایی	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعِلن
	— — U —	— — U —	— U —

نکات

- هر مصراع می‌تواند ۲، ۳ یا ۴ پایه آوایی داشته باشد و هر پایه آوایی می‌تواند از ۱ هجا، ۲ هجا، ۳ هجا یا ۴ هجا تشکیل شده باشد.
- گاهی آخرین پایه آوایی در یک مصراع، یک یا دو هجا کم‌تر از باقی پایه‌ها داشته باشد. اما باز هم در این حالت بیت دارای «وزن همسان تک‌پایه‌ای» است. (به عبارتی همسان‌بودن وزن را تغییر نمی‌دهد).
- ارکان «فاعِلن» و «فعولن» به ترتیب از اعمال تغییرات (کم‌کردنِ هجای آخر) در «فاعلاتن» و «مفاعیلن» به وجود آمده‌اند.
- وزن دوبیتی: مفاعیلن مفاعیلن فعولن
- به «U — —» نشانه‌های هجایی می‌گویند و به «تَ تن تن تن» معادل صوتی می‌گویند.
- تکرار و تمرین از طریق گوش‌دادن، یکی از راه‌های مؤثر درک وزن است. خواندن ابیات کتاب و تمرین و توجه به وزن آن‌ها، درک سماعی شما را تقویت می‌کند. (تشخیص سماعی وزن یکی از سریع‌ترین روش‌ها برای حلِ تست‌های کنکور است. آن را دست کم نگیرید!)